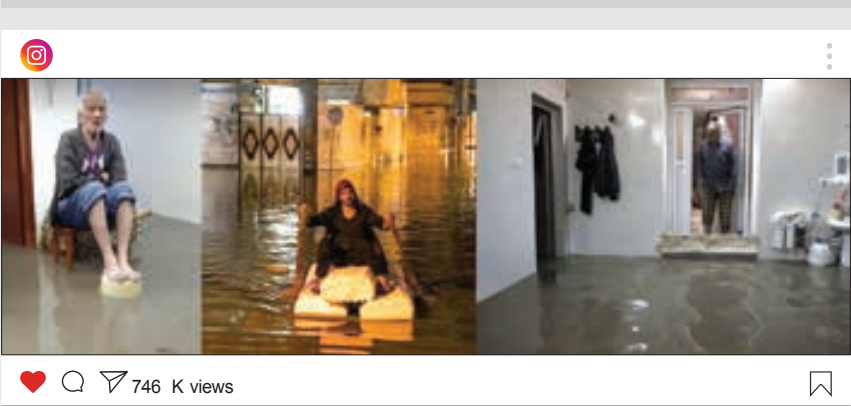
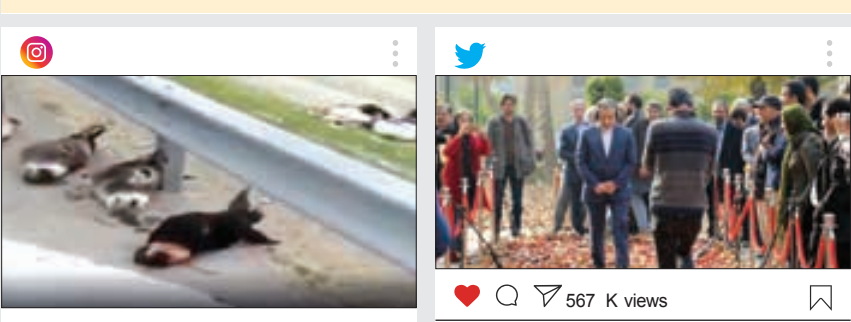


ماجرای خش خش همایونی و حکم جالب سارق صندوق صدقات!



خوزستان غرق در مشکلات

از دور روز پیش با بارش باران، اهواز دچار آب‌گرفتگی شدیدی شده است. بارندگی که گفته می‌شود در مدت ۲۴ ساعت حدود ۷۳ میلی متر بوده است، از دوشنبه تا دیروز تصاویر و ویدئوهای بسیاری از اهواز در فضای مجازی منتشر شده که نشان می‌دهد مردم زیادی در این شهر، زندگی‌شان زیر آب رفته، رفت و آمدشان مختل شده است و خودروهای بسیاری دچار حادثه شده‌اند. کارشناسان طراح شهری بارها تذکر داده‌اند این شهر امکانات خوبی برای دفع آب‌های سطحی ناشی از بارندگی ندارد. در بعضی مناطق حتی مشکلات فاضلاب وجود دارد و بالازدگی فاضلاب، زندگی مردم را دچار مشکل کرده اما ظاهراً بارندگی کم این منطقه، بهانه‌ای برای مسئولان شهری است تا زیرساخت لازم برای دفع آب‌های سطحی را در این شهر ایجاد نکنند. این سیلاب همچنین باعث نوسانات برقی در بعضی مناطق و در یک مورد باعث مرگ چهار بیمار در اهواز شد. در همین شرایط یغریح دیروز استاندار خوزستان به‌عنوان استاندار برگزیده پژوهش و فناوری کشور انتخاب شد! کاربران با انتشار عکس‌ها و فیلم‌های این سیلاب به این موضوع واکنش نشان دادند. کاربری نوشت: «بد نبود این همه پژوهش و فناوری جناب استاندار کمی هم به کمک مردم مظلوم اهواز می‌امد تا این جوری زندگی‌شون زیر آب نمی‌رفت» کاربر دیگری نوشت: «چرا مسئولان فکری به حال مردم خوزستان نمی‌کنند وقتی باد می‌آید ریز گردها تنفسشان را می‌گیرد وقتی باران می‌آید این گونه همه چیز را با خود غرق می‌کند».



خش خش همایونی!

فیلم قدم زدن عباس عراقچی روی برگ‌های پاییزی از فراگیرترین ویدئوهای روز گذشته بود که واکنش های زیادی را به همراه داشت. ماجرا از این قرار بود که عراقچی به دعوت دانشجویان دانشگاه هنر تهران به این دانشگاه می‌رود و دانشجویان از او می‌خواهند در گذرگاهی که برگ‌های پاییزی به نام «نولیپر البسم» درست کرده‌اند، قدم بزنند و صدای خش خش برگ‌ها را که با میکروفون ضبط می‌شود، با کیفیت بالا گوش دهد. همین اتفاق باعث شد کاربران فیلم و عکس های این اتفاق را با شرح های مختلف باز نشر کنند. کاربری نوشت: «ای کاش توی اون هدفون مشکلات مردم رو برای آقای عراقچی ببخش می‌کردن»، کاربر دیگری نوشت: «واقعاً در این آرامش کشور، فقط راه رفتن عراقچی روی برگ خشک رو کم داشتیم»، کاربر دیگری هم نوشت: «چه ایرادی داره این کار؟ چرا به همه چی گیر میدید؟»



حکم جالب سارق صندوق صدقات

رای جالب یک دادیار درباره یک سارق صندوق صدقات هم‌پروژه خیلی زود پر بازدید شد. ماجرا از این قرار بوده که امور آن کلانتری فردی را که از صندوق صدقات در حال دزدی بوده، دستگیر می‌کنند. این متهم در اظهاراتش برای دادگاه می‌گوید: «در روز سرعت چیزی نخورده و گرسنه بودم، قاضی هم درای خود می‌نویسد: «شخص متهم اگر در همین پول به سرعت رفته، سهمی می‌شد دست به ارتکاب بزه نمی‌زد.» و با توجه به مواد قانونی ذکر شده در رای، متهم را بی‌گناه اعلام می‌کند. کاربری نوشت: «این جوری باشه هیچ صندوقی در امان نیست دیگه! که کاربر دیگری نوشت: «هر متهمی هم نمی‌تونه ادعای اضرار کرده قاضی قطعاً بررسی می‌کنه ببینیه واقعا طرف مضطر بوده، بعد حکم میده.»

تصاویر پراز دید فضای مجازی



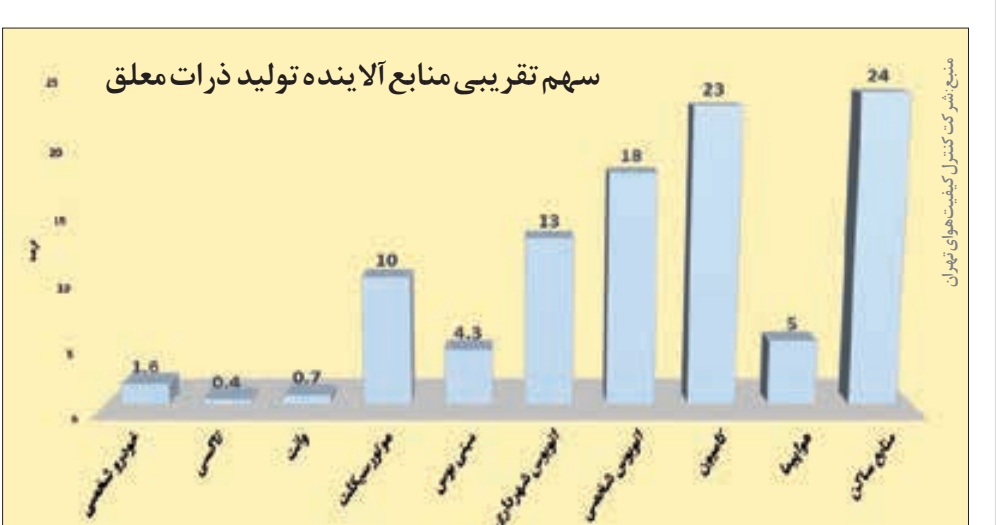
ناصری – آمارها از فوت حدود سه هزار و ۵۰۰ نفر در سال ۹۷ خبر می‌دهد که نه‌برابر سیل و زلزله بلکه فقط به خاطر استنشاق ذراتی با اندازه کمتر از ۲/۵ میکرون، جان خود را از دست داده‌اند. ۲/۵ میکرون یعنی ۲۵/۰۰۰ سانتی متر، ۲/۵ میکرون یعنی ذرات معلق که از آگزوز خودروها و کامیون‌ها و موتورهای خارج می‌شوند، موزیانه تجمع می‌کنند و در روزهای سرد سال از طریق ریه به خون راه می‌یابند و منجر به مرگ و میر می‌شوند. بد نیست بدانید روزنامه اعتماد به از دست رفتن حدود ۴۲ هزار سال عمر و خسارت اقتصادی ۱/۳ میلیارد دلاری به دلیل همین ذرات معلق کوچک اشاره کرده است. این روزها افزایش میزان این ذرات موزی باعث ناسالم شدن هوا، تعطیلی مدارس، تعطیلی دانشگاه‌ها، تعطیلی ادارات، ممنوعیت‌های ترافیکی برای خودروها و مرگ و میر می‌شود اما واقعا سهم خودروهای سواری، وانت، تاکسی، موتورسیکلت، مینی بوس، اتوبوس‌های شرکت واحد، کامیون‌ها و هواپیماها در این آلودگی چقدر است؟

ذرات نامرئی و موزی

شهرداری و کامیون‌هاست و خودروهای شخصی و تاکسی‌ها، سهم ناچیزی – حدود ۲ درصد – دارند. این ۲ درصد ناچیزتر هم می‌شود وقتی که آن را جزئی از سهم کلی ۸۵ درصدی منابع متحرک بدانیم؛ یعنی در کل می‌توان گفت سهم خودروهای شخصی و تاکسی‌ها در آلودگی ناشی از ذرات معلق هوای تهران، یک درصد است. در مقاله‌ای هم که توسط دکتر علیرضا جهانگیریان و مهدی ابراهیمی باعنوان «بررسی تاثیر آلایندگی فرودگاه مهرآباد بر کیفیت‌های منطقه» در سال ۱۳۸۶ ارائه شد و از اطلاعات سازمان فدرال هوایی آمریکا و سازمان بین المللی هوانوردی (ایکائو) استفاده کرده بودند، آلودگی یک هواپیما برابر با آلودگی ایجاد شده توسط ۳۰ خودرو اعلام شده که به گفته رئیس انجمن هوا فضای ایران سهم هواپیماها هم در این آلودگی ۵ درصد است.

سهم بالای دیزلی‌ها

مطالعه سهم بندی‌های ذکر شده برای منابع مختلف، مشخص می‌کند بار عمده آلودگی هوای تهران، بر دوش اتوبوس‌های شرکت‌های حمل و نقل خصوصی، اتوبوس‌های شهرداری و کامیون‌هاست. یکی از دلایل بالا بودن سهم این دسته از خودروها هم مربوط به سن بالای آن‌هاست. بر اساس آمار حدود ۶۰ درصد اتوبوس‌های بخش خصوصی قدمتی بالای ۲۰ سال دارند. همچنین حدود نیمی از کامیون‌هایی که در کشور تردد دارند هم بیش از ۲۰ سال عمر دارند. در کنار این‌ها نباید از سوخت آن‌ها هم غافل شد. سوخت دیزل، یکی دیگر از عواملی است که می‌توان نقش آن را در آلایندگی پررنگ دانست و انگشت اشاره ا به سویش گرفت. تا این جای کار به نظر می‌رسد کلید حل بخش بزرگی از آلودگی در گرو به‌سازی ناوگان اتوبوسرانی باشد اما اخبار این حوزه چندان امیدبخش نیست. هر چند قرار بود تمامی خودروهای دیزلی، فیلتر دوده نصب کنند اما شه‌ریو ماه‌امسال معاون اول رئیس‌جمهور در پاسخ به درخواست یکی از شرکت‌های خودرو سازی برای توقف «نصب فیلتر دوده» روی خودروهای دیزلی، بهر حمائی و کلانتری نوشت: «با توجه به تحریم و نیاز کشور به کامیون‌های مذکور، بانظر مساعد بررسی و برای مدتی مجوز صادر شود.»



■ صیانت از حریم خصوصی

در بیشتر مقالاتی که در این موضوع پیدا کرده‌ام، وقتی بچه‌ها به‌سن خاصی رسیده بودند، نویسندگان ناگهان نوشتن درباره آن‌ها را کنار گذاشته بودند. این نوع نوشتن را کنار گذاشته بودند تا حریم خصوصی بچه‌هاشان حفاظت کند یا به گفتهٔ دانا لارنا «میل آن‌ها به این حریم خصوصی را حفظ کنند تا وقتی بزرگ می‌شوند چیزی از حریم خصوصی باقی مانده باشد که از آن صیانت کنند.» به این رویکرد احترام می‌گذارم و می‌فهمم که برای بسیاری از نویسندگان جواب می‌دهد اما من نمی‌توانم چنین قولی بدهم. مطمئناً دخترم آن قدر بزرگ شده که لازم باشد از قبل به او خبر دهم یا حق وتوی عکس‌ها و خجالت‌آور نبوده‌ا، البته شاید دخترم در این زمینه با من مخالف بود. چند سال پیش، دربارهٔ شکستی در زندگی اجتماعی‌اش مطلبی نوشته بودم: دختری که او را بهترین دوست خود می‌دانست، ناگهان با او قهر کرده بود و حرف نمی‌زد. من از دیدگاه یک مادر، دربارهٔ این تجربه نوشته بودم: «ماری که می‌کوشید بدون افتادن در دام کلیشه‌های ضد دخترانه دربارهٔ دختران به اصطلاح بدجنس، به دخترش کمک کند تا مشکلی را از سر بگیرد، اما شاید او دوست نداشت قسمت‌های تلخ گذشته‌اش در اینترنت پخش شوند.



این که قول بدهم دیگر دربارهٔ او ننویسم، بدین معناست که بخشی حیاتی از خودم را خاموش کنم، کاری که لزوماً برای من یا او مفید نیست. پس برنامه‌ام این است که یک مسیر میانه را طی کنم، این که دربارهٔ حورمز داستان‌هایی که می‌نویسم و عکس‌هایی که

وقتی بچه‌مان می‌پرسد: به چه حقی عکس‌هایم را در اینترنت گذاشتی؟

دختر کوچک‌مان من خواسته دیگر چیزی از روابط مادر و دختری‌مان در اینترنت ننویسم؛ ولی من نمی‌توانم

کریستی تیت، واشنگتن پست – دختر کلاس چهارم می‌ام، از پشت لپ‌تاپی که به او هدیه داده‌ایم، می‌گوید: «این خفن‌ترین کریسمس زندگی منه». بعد از سه سال التماس برای موبایل، تیلت با کامپیوتر، تسلیم شدیم و لپ‌تاپ ساده‌ای با امکان نظارت والدین برایش خریدیم. ابتدا تصور می‌کردیم وسیله‌ای برای انجام تکالیف مدرسه و یادگیری کار با صفحه کلید است. از روی شور و شوق و آفری که داشت می‌شد فهمید که خودش آن لپ‌تاپ را وسیله‌ای برای تماشای برنامه‌های مورد علاقه‌اش می‌داند. بعد از سال‌ها به‌روز رازی به‌خاطر این که «تنها بچه‌ای» است که وسیله‌های الکترونیکی ندارد، حال و هوای سراپا قدردانی و شوق او بر ایمان تازی گذاشت اما این حالت تنها ۱۴ ساعت دوام داشت.

■ چرا عکس‌های من را توی اینترنت گذاشتی؟

روز بعد از کریسمس چمباتمه زدن با لپ‌تاپش کار کند. قدم اول: اسم من را در اینترنت جست‌وجو کرد. قدم دوم: سر اسیمه به سمت اتاق من دوید و لپ‌تاپی را که از نوبی برقی می‌زد، پرت کرد طرف من و فریاد کشید «این چه وضعشه؟» صفحه پر از تصاویر خودش بود، دوران نوزادی، چهار دست و پا رفتن، سال‌های قبل از مدرسه و... هریک از آن‌ها، عکس‌مطلبی و بلاگی بود که

■ برای دیدن ویدئوی مطالبی که در این صفحه می‌خوانید و در فضای مجازی فراگیر شده است کیوار کد مقابل را اسکن کنید.

